

ارتباطات زیست‌محیطی و آب:

تحلیل محتوای مستندهای دهه هشتاد و نود سینمای ایران

فرزاد غلامی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۹، تاریخ تایید: ۰۰/۵/۳

DOI: 10.22034/JCSC.2021.534374.2432

چکیده

جامعه ایران با موضوعات و مسائل زیست‌محیطی متعددی روبه‌روست. در میان موضوعات زیست‌محیطی جامعه ایران «مسئله آب» یکی از برجسته‌ترین مسائل است. امروزه رشته‌های علوم انسانی هم به موضوعات زیست‌محیطی و تبعات آنها واکنش نشان داده‌اند. ارتباطات زیست‌محیطی هم یکی از عرصه‌هایی است که پتانسیل خوبی برای کمک به حل ابعادی از مسائل زیست‌محیطی دارد. بر این اساس، در این مقاله، از منظر ارتباطات زیست‌محیطی و با رویکرد نظری چارچوب‌بندی به مطالعه مسئله آب در سینمای مستند دهه هشتاد و نود ایران پرداخته شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که سینمای مستند ایران چگونه به مسئله بحران آب در ایران پرداخته است؟ برای پاسخ به سؤال تحقیق، ۲۲ فیلم مستند با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده است. تحلیل محتوای کیفی این مستندها نشان می‌دهد چارچوب تشخیصی و تجویزی توسعه پایدار، غالب‌ترین و فراگیرترین چارچوبی است که مستندسازان ایرانی مسئله بحران آب در ایران را در قالب آن چارچوب‌بندی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: مستند زیست‌محیطی، سینمای زیست‌محیطی، ارتباطات زیست‌محیطی، چارچوب‌بندی، آب.

۱. استادیار گروه علوم ارتباطات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

farzadgholami@ut.ac.ir

مقدمه

ارتباطات زیست‌محیطی یکی از حوزه‌های جدید مطالعات ارتباطی است که امروزه مورد توجه محققان قرار گرفته است؛ گستردگی موضوعات مطرح‌شده در ارتباطات زیست‌محیطی تعریف این حوزه را با چالش مواجه کرده است (Cox^۱ & Pezzullo^۲، ۲۰۱۷: ۱۲). در ساده‌ترین تعریف، می‌توان گفت که ارتباطات زیست‌محیطی استفاده استراتژیک و برنامه‌ریزی‌شده از فرآیندهای ارتباطی و محصولات رسانه‌ای برای حمایت از سیاستگذاری مؤثر، مشارکت عمومی و اجرای پروژه‌ها به سمت پایداری زیست‌محیطی است. به عبارتی، ارتباطات زیست‌محیطی با طراحی کردن استراتژی‌های ارتباطی مشخص از روش‌ها، ابزارها و تکنیک‌هایی نهادینه‌شده ارتباطات توسعه، آموزش بزرگسالان، بازاریابی اجتماعی، ترویج کشاورزی، روابط عمومی و آموزش‌های غیررسمی استفاده مؤثری می‌کند (of the Working Party on Development Cooperation and Environment، ۱۹۹۹: ۸). فیلم‌های مستند یکی از بسترهای ارتباطی برای بیان مسائل زیست‌محیطی است که می‌توان از آن آگاهانه برای افزایش آگاهی مخاطب در مورد موضوعات زیست‌محیطی استفاده کرد.

فیلم مستند در کنار فیلم داستانی و فیلم تجربی آونگارد یکی از سه ضلع خلاقانه در سینماست (مک لین^۳، ۱۳۹۴: ۷). با توجه به اینکه «همه فیلم‌های مستند غیرداستانی هستند» (وارد^۴، ۱۳۹۱: ۱۱) می‌توان گفت وجه غیرداستانی بودن فیلم مستند، قابلیت آن را برای اقناع مخاطب افزایش می‌دهد. اگر چه باید به این مسئله هم توجه داشت که در فیلم مستند هم از «تکنیک‌ها و قواعدی» استفاده می‌شود که به «قصه‌گویی و تخیل» شباهت دارد (همان). این مستندهای غیر داستانی را «مستند بازنمایی اجتماعی» (نیکولز^۵، ۱۳۸۹: ۳۷) هم نامیده‌اند. ویژگی این نوع مستندها بازنمایی جنبه‌هایی از جهان خارج به صورت ملموس است؛ به این معنا که واقعیت اجتماعی را رؤیت‌پذیر می‌کنند و به درک ما از واقعیت معنا می‌بخشند (همان: ۳۸). بنابراین می‌توان گفت مستندها می‌توانند فهم ما را از مسائل و موضوعات شکل دهند.

در عرصه مسائل زیست‌محیطی این امر، به دلیل انتزاعی بودن مشکلات زیست‌محیطی می‌تواند برجسته‌تر هم باشد؛ به این معنا که مستند زیست‌محیطی می‌تواند به درک ما از ماهیت

1 . Cox
2 . Pezzullo
3 . McLane
4 . Ward
5 . Nichols

معضلات زیست محیطی کمک شایانی نماید؛ چراکه مستندها می توانند با ملموس کردن مسائل زیست محیطی و بحران های حاصل از آنها، «نقشی کلیدی در توسعه ارتباطات زیست محیطی» و جلب مشارکت هم در عرصه عمومی و هم در میان سیاستگذاران و تصمیم گیران برای حفاظت از محیط زیست ایفا نماید (منتظر قائم و عرفانی حسین پور، ۱۳۹۳: ۶۸).

بازنمایی مسائل زیست محیطی در سینما قالب های گوناگونی دارد، به عبارتی، فیلم های سینمای زیست محیطی «به گستره تعریفی متفاوتی تعلق می یابند، که می توان آنها را از مستندهای حیات وحش تا مستندهای صنعتی انتقادی در گسترش شهرها و فیلم های داستانی که به از میان رفتن طبیعت توسط انسان می پردازند، بسط داد» (شهبازی، ۱۳۹۸: ۱۲). در فضای سینمای زیست محیطی ایران آثار مستند به مراتب بیشتر از آثار داستانی است، که این امر به ماهیت فیلم مستند و تناسب آن برای مسائل زیست محیطی بر می گردد. یکی از حوزه هایی که سینمای زیست محیطی به آن توجه کرده است و آثار ارزشمندی در این مورد ساخته شده است، موضوع آب در ایران است. نگاهی به تعداد مستندهای تولید شده در دهه نود شمسی در قیاس با دهه قبل به خوبی نشان دهنده اهمیت موضوع آب برای سینمای مستند ایران است.

بیان مسئله

ایران به دلیل اینکه در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار گرفته است، از لحاظ منابع آبی، جزء کشورهایی محسوب می شود که با محدودیت منابع آبی روبه روست. به عبارتی، سهم ایران از آب های شیرین به نسبت میانگین جهانی پایین تر است. در حالی که ۱ درصد جمعیت جهان در ایران زندگی می کند، تنها ۰/۳ درصد آب های شیرین جهان سهم ایران است، علاوه بر این، بارش ایران کمتر از یک سوم بارندگی جهانی است، میزان تبخیر آب در ایران سه برابر جهان است (مرزبان و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۷). همچنین رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور^۱ میزان برداشت از منابع آب تجدید پذیر در کشور را ۱۱۰ بیان کرده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۰ شهریور ۹۶). این در حالی است که طبق استانداردهای جهانی در هر کشوری اگر میزان برداشت از آب های تجدید پذیر بیش از ۴۰ درصد باشد، آن کشور با تنش آبی شدید روبه روست (احسانی و خالدي، ۱۳۸۲: ۵). این آمار و ارقام نشان دهنده این است که ایران با تنش آبی روبه روست.

1 <https://www.isna.ir/news/۹۶۰۶۱۰۰۵۸۲۰/>

برای فهم مسئله آب ایران می‌توان از زوایایی گوناگون و از منظر رشته‌های مختلف به آن نگریست. با توجه به اینکه آب علاوه بر یک منبع طبیعی یک منبع اجتماعی هم هست، می‌تواند یکی از موضوعاتی باشد که در رشته‌های علم اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بنابراین در این مقاله، موضوع آب از نگاه ارتباطات زیست‌محیطی مورد توجه قرار گرفته است. همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد، مستندهای زیست‌محیطی یکی از حوزه‌های ارتباطات زیست‌محیطی هستند که می‌تواند مسائل زیست‌محیطی را قابل فهم و ملموس نمایند، در مسئله آب ایران هم می‌توان توقع داشت که سینمای مستند ایران بتواند مسئله آب را برای کنشگری به نفع محیط زیست؛ هم برای عامه مردم و هم برای سیاستگذاران قابل درک نماید. بنابراین مسئله این پژوهش، صورت‌بندی مسئله آب در سینمای مستند ایران است؛ بنابراین سؤال این پژوهش این است که در مستندهای زیست‌محیطی مسئله آب در ایران چگونه مطرح شده است؟ این سؤال را می‌توان به دو سؤال ریزتر تغییر داد:

- ۱- مستندسازان سینمای ایران علت مسئله آب را چه مسائلی می‌دانند؟
- ۲- مستندسازان سینمای ایران چه راهکاری برای مسئله آب مطرح می‌کنند؟

پیشینه پژوهش

علی‌رغم اهمیت موضوع آب برای جامعه ایران، هنوز در فضای علوم اجتماعی به‌طور عام و علوم ارتباطات به‌طور خاص تحقیقات چندانی در این مورد انجام نشده است. با اینکه موضوع اصلی این مقاله سینمای مستند و بحران آب است، اما به دلیل تحقیقات اندک در این حوزه، در پیشینه تحقیق به پژوهش‌هایی که به رسانه‌ها و آب پرداخته‌اند، اشاره می‌کنیم.

نزدیک‌ترین پژوهش به این تحقیق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رضوانه عرفانی حسین‌پور (۱۳۹۲) است، که با عنوان «تحلیل رتوریک مستندهای مربوط به بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه» در گروه علوم ارتباطات دانشگاه تهران انجام شده است. عرفانی حسین‌پور در این پژوهش، مستندهای مربوط به بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه را تحلیل رتوریک کرده است. این پژوهش با روش کیفی تحلیل رتوریک شش مستند ساخته شده درباره بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه را تحلیل کرده است. مؤلفه‌های پنجگانه‌ای که برای تحلیل مورد استفاده قرار گرفته است عبارتند از: کاراکترها، رتوریک خطای انسانی و تعیین مقصر، جاذبه‌ها و انگیزش‌های احساسی، تکنیک‌های رتوریکی متقاعدسازی منطقی و توسعه پایدار. ضعف اصلی

این مؤلفه‌ها این است که از یک سنخ نیستند و نمی‌توان آنها را در کنار هم به‌عنوان مقوله‌هایی جامع برای تحلیل به‌کار برد. به‌عنوان مثال جاذبه‌ها و انگیزش‌های احساسی و تکنیک‌های متقاعدسازی منطقی هر دو از شاخص‌های رتوریک برای اقناع مخاطب هستند، اما توسعه پایدار هیچ‌گونه ارتباطی به مفهوم رتوریک و اقناع ندارد، بلکه توسعه پایدار یک گفتمان است که یکی از ابعاد آن توجه به شاخص‌های زیست‌محیطی برای رسیدن به پایداری زیست‌محیطی و پایداری جامعه در همه سطوح است.

پژوهش مرتبط دیگر تحقیقی است که سید رسول محمودی یمین (۱۳۹۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «ارزشیابی برنامه‌های مستند سیمای جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارتقای فرهنگ مصرف آب» در دانشکده ارتباطات دانشگاه صدا و سیما انجام داده است. در این تحقیق، یکی از علت‌های این بحران در ایران وجود فرهنگ غلط در زمینه مصرف آب معرفی شده است و بر این امر تأکید شده است که به‌همین دلیل، سازمان صداوسیما طی چند دهه گذشته، در راستای فرهنگ‌سازی برنامه‌های مستند بسیاری پیرامون بحران آب تولید کرده است. هدف این پژوهش، ارزیابی از کیفیت این مستندهاست. از نظر محمودی یمین شناسایی نحوه پرداخت به فرهنگ مطلوب مصرف آب و مشکلات این حوزه در این مستندها امری ضروری است تا نقاط ضعف و قوت آنها شناسایی شود و در برنامه‌های آینده، نقاط ضعف برطرف و نقاط قوت تقویت شود. برای دستیابی به این هدف در پایان‌نامه فوق، از روش‌های مصاحبه عمیق و تحلیل محتوای کیفی استفاده شده و با بررسی نظرها کارشناسان رسانه و محیط زیست، فرهنگ مطلوب مصرف و مهم‌ترین مشکلات حوزه آب استخراج شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ مطلوب مصرف آب، فرهنگی است که در آن شش شاخصه ارزش تاریخی آب، ارزش دینی آب، رعایت اصول مصرف، آموزش، رعایت حق مخلوقات دیگر و توجه به آب در ادبیات و آداب و رسوم، باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و نتیجه اصلی این پژوهش که پاسخ همان پرسش اصلی تحقیق می‌باشد، این است که مستندهای سیما در پرداختن به مشکلات حوزه آب موفق عمل کرده‌اند، اما در پرداختن به فرهنگ مطلوب مصرف آب و ارتقای این فرهنگ موفق نبوده‌اند.

دو پژوهش دیگر هم به موضوع آب در رسانه‌ها پرداخته‌اند، اما بر خلاف تحقیقات قبلی که ذکر شد، زمینه‌ها آنها مستند سینمایی یا تلویزیونی نبوده است، اما به‌دلیل مطرح کردن مسئله آب در رسانه‌ها به معرفی مختصر آنها می‌پردازیم.

یکی از این پژوهش‌ها کار ندا صابری (۱۳۹۶) است که با عنوان «ارزیابی عملکرد و نحوه پوشش رسانه‌های خبری ایران از مسائل محیط زیستی با استفاده از نقد رتوریک (مطالعه موردی: بحران کم‌آبی)» در دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام شده است. عملکرد و نحوه پوشش رسانه‌های خبری ایران درباره بحران کم‌آبی مسئله‌ای است که صابری در پی مطالعه آن بوده است.

پژوهش با استفاده از دو روش تحلیل رتوریک و تحلیل‌های آماری انجام شده است. داده‌های لازم برای انجام پژوهش خبرهای مرتبط با بحران آب در خبرگزاری‌های ایران، سایت خبری وزارت نیرو و صدا و سیما در سال آبی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بوده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده این است که خبرگزاری ایران با بیشترین تعداد خبر و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با کمترین تعداد خبر به پوشش خبری از بحران کم‌آبی پرداخته‌اند و همچنین بررسی‌ها و تحلیل‌های کیفی نشان‌دهنده لزوم وجود تعریفی درست از مسائل پیچیده محیط زیستی نزد کنشگران رسانه و تمرکز بیشتر رسانه‌های تصویری بر روی اخبار زیست‌محیطی است.

یکی از پژوهش‌های مرتبط تحقیقی است که محمد مهدی نجفی‌خواه در سال ۱۳۹۳ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران انجام داده است. عنوان تحقیق نجفی‌خواه «بر ساخت اجتماعی - فرهنگی یک مسئله زیست‌محیطی: مطالعه‌ای کیفی در فعالیتهای اقامه دعوی و استراتژی‌های برساخت‌گرایانه مرتبط با بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه» است. هدف این پژوهش، مطالعه استراتژی‌های برساخت‌گرایانه مرتبط با بحران زیست‌محیطی دریاچه ارومیه بوده است. نتایج تحقیق نشان‌دهنده این است که گروه‌های ذی‌نفع با توجه به خرده‌فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، موقعیت اجتماعی، طرح‌واره‌های ذهنی و واقعیت موجود را به اشکال متفاوتی برساخت کردند. هر کدام از این گروه‌ها راه‌حل‌های متفاوتی را برای احیای دریاچه ارومیه دارند و با توجه به موقعیت اجتماعی - فرهنگی‌شان پیامدهای بحران را تشریح می‌کنند. وجه افتراق و اشتراک تحقیقات فوق این است که در دو پژوهش اول از لحاظ موضوعی و زمینه مطالعه (مستندهای زیست‌محیطی و مسئله آب) کاملاً مشابه این پژوهش است، اما بعد تاریخی این پژوهش را ندارند به‌عبارتی، این پژوهش بازه زمانی گسترده‌تری را برای مطالعه انتخاب کرده است و مهم‌تری اینکه با ادبیات چارچوب‌بندی سعی در فهم چارچوب‌های تشخیصی و تجویزی مسئله آب داشته است. دو تحقیق دیگر هم صرفاً به دلیل اینکه مسئله آب را در فضای رسانه‌های مورد توجه قرار داده‌اند، به آنها اشاره کردیم و وجه افتراق آنها این است

که این پژوهش بر سینمای مستند تمرکز داشته است در حالی پژوهش‌های فوق یکی در زمینه خبرگزاری‌ها و دیگری هم بر روی مخاطبان بحران آب تمرکز داشته است.

نظریه چارچوب بندی

نظریه چارچوب‌بندی در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ارتباطات مورد توجه قرار گرفته است، به‌همین دلیل، می‌توان گفت که این نظریه، ریشه‌های متنوعی دارد (Schäfer^۱ & O'Neill^۲، ۲۰۱۷: ۱). ریشه نظریه چارچوب‌بندی رسانه به کارهای جامعه‌شناسان حوزه ارتباطات و رسانه در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ بر می‌گردد که افرادی مانند گیتلین^۳ (۱۹۸۰) و تاچمن^۴ (۱۹۷۸) و اتمن^۵ (۱۹۹۳) آن را مطرح کرده‌اند (هانگین^۶، ۱۳۹۳: ۱۷۰). البته باید به این مسئله توجه داشت که مطرح شدن این مفهوم در فضای ارتباطات، نشئت گرفته از کتاب گافمن^۷ (۱۹۷۴) با عنوان «تحلیل چارچوب‌ها» بوده است (Johannessen^۸، ۲۰۱۵: ۱۶). گافمن از مفهوم چارچوب برای جلب توجه نسبت به شیوه‌هایی که ما در موقعیت‌های اجتماعی برای تفسیر طرح‌های خاص که نسبت به آنها آگاه نیستیم، استفاده کرد (Anderson^۹، ۲۰۱۴: ۴۱).

همان‌گونه که اتمن گفته است چارچوب‌بندی به‌معنای انتخاب برخی از جنبه‌های یک واقعیت درک شده و برجسته کردن آن در یک متن ارتباطی است (NabiNabi^{۱۰} & Gustafson^{۱۱} Jensen and^{۱۲}، ۲۰۱۸: ۶)؛ به‌عبارتی، چارچوب‌بندی به‌معنای گلچین کردن واقعیت‌ها و فراهم کردن یک داستان که ارتباط بین واقعیت‌ها را نشان می‌دهد. به‌عبارتی، در چارچوب‌سازی رسانه‌ها از یک ایده یا خط فرمان مرکزی سازمان‌دهنده برای ایجاد معنا بین جریانی از رویدادها استفاده می‌کند. چارچوب‌ها به تعیین موضوع بحث و ماهیت موضوع می‌پردازند (کوالینا^{۱۳}، فالكوفسکی^{۱۴} و نیومن^{۱۵}، ۱۳۹۳: ۹۲). چارچوب‌ها ابزارهای

1. Schäfer
2. O'Neill
3. Gitlin
4. Tuchman
5. Entman
6. Hannigan
7. Goffman
8. Johannessen
9. Anderson
10. Nabi
11. Gustafson
12. Jensen
13. Cwalina
14. Falkowski
15. Newman

سازمان‌دهنده‌ای هستند که به ارتباط‌گران و مردم کمک می‌کنند که مسائل و وقایع را درک کنند و آنها را معنی‌دار سازند (هانگین، ۱۳۹۳: ۱۷۰). بنابراین می‌توان گفت چارچوب‌سازی زمانی رخ می‌دهد که یک رسانه در زمینه تشریح یک موضوع یا رویداد، بر زیرمجموعه‌ای از رویدادها و ملاحظات مرتبط تمرکز می‌کند، این امر باعث می‌شود افراد در هنگام شکل‌دهی به عقیده خود به این موارد توجه نمایند (Drakeman^۱ & Nelson^۲، ۲۰۰۳، به نقل از کوالینا، فالکوفسکی و نیومن، ۱۳۹۳: ۹۲). بهترین تعریف برای فهم چارچوب‌بندی در رسانه‌ها را اتمن ارائه کرده است از نظر وی چارچوب‌بندی به معنای «تعریف مشکل، تفسیر علی، ارزیابی اخلاقی و ارائه راه حل» است (Entman، ۱۹۹۳: ۵۲).

برای فهم فرآیند چارچوب‌بندی باید به سه ابزار عقلانی «ریشه‌ها (تحلیل علی) پیامدها (نوع خاصی از تأثیر) و توسل به اصول (مجموعه‌ای از ادعاهای عقلانی)» توجه کرد (Gamson^۳ & Modigliani^۴، ۱۹۸۹: ۳-۴ در هانگین، ۱۳۹۳: ۱۷۱-۱۷۲). بنفورد^۵ و اسنو^۶ (۲۰۰۰: ۶۱۷-۶۱۵) هم این موضوع را به شیوه‌ای کامل‌تر و بهتر مطرح کرده‌اند، از نظر آنها برای چارچوب‌بندی، باید به سه بعد چارچوب تشخیصی^۷، چارچوب تجویزی^۸ و چارچوب‌های انگیزشی^۹ توجه کرد. منظور آنها از چارچوب‌های تشخیصی شناسایی مشکل از سوی ارتباط‌گران است. چارچوب‌بندی تجویزی هم به معنای ارائه راه‌حل برای مشکل شناسایی شده است و در نهایت چارچوب‌بندی انگیزشی به معنای استفاده از زبان و ویژگی‌های رتوریک آن برای اقناع مخاطب است. با توجه به اینکه چارچوب‌بندی انگیزشی خود فضای گسترده‌ای دارد و برای آن باید از مباحث رتوریک و تحلیل رتوریک استفاده کرد، در این پژوهش، صرفاً بر دو بعد چارچوب تشخیصی و چارچوب تجویزی تمرکز شده است.

روش پژوهش

ژیلیان رز^{۱۰}، در کتاب روش و روش‌شناسی تحلیل تصاویر، روش تحلیل محتوا را یکی از روش‌های مناسب برای تحلیل مصنوعات بصری معرفی می‌کند. رز برای تحلیل محتوا چهار

1. Drakeman
2. Nelson
3. Gamson
4. Modigliani
5. Benford
6. Snow
7. Diagnostic Framing
8. Prognostic Framing
9. Motivational Framing
10. Jillian Rose

مرحله زیر را پیشنهاد می‌کند: ۱- یافتن فیلم‌های مورد نظر ۲- طراحی مقوله‌ها برای کدگذاری ۳- کدگذاری فیلم‌ها و ۴- تحلیل نتایج بر اساس سؤال تحقیق (رز، ۱۳۹۳: ۱۳۶-۱۲۱).

در روش‌های کیفی به جای نمونه‌گیری تصادفی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود (فلیک^۱، ۱۳۹۲: ۱۴۷). به عبارتی، محل‌ها و موردها به این دلیل انتخاب می‌شوند که رخداد‌های مربوط به آنها نقشی حیاتی در فهم فرآیندها یا مفاهیم، و آزمون یا توضیح نظریه‌های پذیرفته شده ایفا می‌کنند (لیندلاف، ۱۳۸۸: ۱۷۳). در این نوع نمونه‌گیری محقق ویژگی‌های جمعیت مورد علاقه را مشخص ساخته و افراد یا موردهای دارای این ویژگی‌ها را پیدا می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۳۲). همچنین باید گفت که در روش کیفی انتخاب نمونه‌ها بر اساس محتوا صورت می‌گیرد و نه با استفاده از معیارهای روش‌شناختی، به عبارت دیگر، نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن موردها (با تحقیق) و نه نمایا بودن انجام می‌گیرد (فلیک، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

طبق آنچه رز (۱۳۹۳: ۱۲۳) برای روش تحلیل محتوا به درستی بیان کرده است: «تقریباً تمامی تحلیل محتواها متکی به نوعی فرآیند نمونه‌گیری هستند».

موضوع بحران آب تا چند سال گذشته، چندان مطرح نبوده است و تعداد مستندهای سینمایی ساخته شده در این حوزه چندان زیاد نیست. در نمونه انتخاب شده هم این موضوع تا حدود زیادی مشخص است؛ چراکه در دهه ۸۰ تعداد مستندهای ساخته شده در موضوع بحران آب بسیار کم است. به همین دلیل، محقق با جستجوایی که انجام داده است، اگر مستندی را یافته است که در دهه هشتاد ساخته شده است آن را در نمونه تحقیق قرار داده است، اما در دهه نود وضعیت متفاوت شده است و تعداد مستندهایی که به موضوع بحران آب پرداخته‌اند، به شدت افزایش یافته است. در این تحقیق، از نمونه‌گیری نظری و هدفمند برای انتخاب مستندها استفاده شده است. بر این اساس، ابتدا محقق با جستجوهای متعدد سعی کرده است که کل مستندهایی که موضوع آنها بحران آب و تبعات آن بوده است را شناسایی کند. در نهایت با در نظر گرفتن تمامی ملاحظات فوق ۲۱ فیلم مستند مرتبط با بحران آب که در دهه هشتاد و نود ساخته شده‌اند، برای تحلیل انتخاب شده است.

واحد تحلیل در تحلیل محتوا، کوچک‌ترین اجزای متن است که در آن رویداد و توصیف مفاهیم مطالعه می‌شوند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۰۱). بنابراین، در این پژوهش، واحد تحلیل، تم یا مضمون خواهد بود؛ به این صورت که هر مضمون کدگذاری خواهد شد و در نهایت جمع‌بندی تم‌ها و مضامین برای شناسایی چارچوب‌های کلان انجام خواهد شد.

جدول ۱: فیلم‌های مورد مطالعه پژوهش

ردیف	نام مستند	تهیه کننده	کارگردان	نویسنده	سال تولید
۱	چه شور بود دریاچه من	مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی	حسن قهرمانی	حسن قهرمانی	۱۳۸۶
۲	ایران جنوب غربی	محمد رضا جامعی/محمد رضا فرطوسی	محمد رضا فرطوسی	محمد رضا فرطوسی	۱۳۸۹
۳	مادرم بلوط	حوزه هنری استان خوزستان	محمود رحمانی	محمود رحمانی	۱۳۹۰
۴	صدای پای آب	علیرضا محمدی نیکچه	علیرضا محمدی نیکچه	علیرضا محمدی نیکچه	۱۳۹۰
۵	بانوی ارومیه	محمد علاء	محمد احسانی	محمد احسانی	۱۳۹۱
۶	گذر شهر بر آب	ارد عطاپور	فرهاد ورهرام	محمد رضا حائری / فرهاد ورهرام	۱۳۹۲
۷	زنده‌رود یک روز به خصوص	محمد سعید محمصی	محمد سعید محمصی	محمد سعید محمصی	۱۳۹۲
۸	مرگ تالاب‌ها	علی یازرلو	محمد رضا کیوانفر	پویا مهربان	۱۳۹۲
۹	مکران گنج بیکران	محمد ساسان	ایمان احمدی	ایمان احمدی / احمد ساسان	۱۳۹۳
۱۰	صدای پای دیو	جمال اسکویی	جمال اسکویی	حامد باقری (فیلمنامه)	۱۳۹۳
۱۱	تالاب سیرانگلی	محمد احسانی	محمد احسانی	محمد احسانی	۱۳۹۳
۱۲	ناخدا سلیمان	سعادت علی سعیدپور	سعادت علی سعیدپور	سعادت علی سعیدپور	۱۳۹۳
۱۳	آجی چای	رحیم مرتضی‌وند	رحیم مرتضی‌وند	رحیم مرتضی‌وند	۱۳۹۴
۱۴	مادرکشی	مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری	کمیل سوهانی	کمیل سوهانی	۱۳۹۴
۱۵	تالاب جازموریان	فرهنگ خاتمی	فرهنگ خاتمی	فرهنگ خاتمی	۱۳۹۵
۱۶	زنان تالاب	سید محسن طباطبایی‌پور	شهره سجادیه	شهره سجادیه	۱۳۹۵
۱۷	در جستجوی رود از دست رفته	سید محسن طباطبایی‌پور	محمد محمودی	محمد محمودی	۱۳۹۵

ادامه جدول ۱: فیلم‌های مورد مطالعه پژوهش

ردیف	نام مستند	تهیه کننده	کارگردان	نویسنده	سال تولید
۱۸	بند آب، بند خاک	فرهاد ورهرام	فرهاد ورهرام	فرهاد ورهرام	۱۳۹۶
۱۹	با تو شادم زاینده رود	سیدمحسن طباطبایی پور	نفیسه توتونی	نفیسه توتونی	۱۳۹۶
۲۰	رودنامه خوانی	سیدمحسن طباطبایی پور	فرشاد احمدی دستگردی	فرشاد احمدی دستگردی	۱۳۹۶
۲۱	سازنده رود	سیدمحسن طباطبایی پور	سیدهاشم مرتضویان	سیدهاشم مرتضویان	۱۳۹۶
۲۲	روزگاری هامون	محمد احسانی	محمد احسانی	محمد احسانی	۱۳۹۶

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به سؤال اول تحقیق که در پی یافتن چارچوب تشخیصی بحران آب از نظر فیلم‌های مستند ایرانی بوده است، با توجه به متن فیلم‌های مطالعه شده و پس از کدگذاری این مستندها بین دو بعد دلایل بحران آب و تبعات بحران آب از نظر سینماگران تمایز قائل شده‌ایم. علل و تبعات بحران آب که در این مستندها طرح شده‌اند در دو جدول خلاصه شده است.

جدول ۲: علت‌های بحران آب

مصادیق	علت‌ها
الگوی بهره‌وری آب در کشاورزی (شیوه‌های نادرست آبیاری کشاورزی)	علت‌های مبتنی بر محیط زیست و سیاست‌های حوزه محیط زیست
ناهماهنگی بین دستگاه‌های متولی حوزه منابع آب	
ضعف کارشناسی در طرح‌های حفاظت از محیط زیست	
بی‌توجهی به پیوست‌های زیست‌محیطی طرح‌های توسعه‌ای	
عدم احداث سد برای مدیریت آب‌های جاری	
انتقال آب بین حوضه‌ای بدون توجه به تبعات آن	

ادامه جدول ۲: علت‌های بحران آب

مصادیق		علت‌ها
بی‌توجهی به شیوه‌های بومی مدیریت آب (سیستم قنات)		
کشت محصولات کشاورزی آب بر بدون توجه به شرایط اقلیمی		
برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی (حفر چاه‌های غیر مجاز)		
سدسازی بدون توجه به ملاحظات زیست‌محیطی در قانون اساسی		
تأثیر سدسازی بر ناپایداری اقلیم در کشور		
نقض تعهدات همسایگان در اختصاص حق‌آبه مناطق مرزی ایران	مسائل جهانی و بین‌المللی محیط زیست	
افزایش گازهای گلخانه‌ای به دلیل شرایط اقلیمی		
گرم‌شدن کره زمین		
کاهش بارندگی		
برتری دادن سود اقتصادی به جای توجه به الزامات زیست‌محیطی	مسائل اقتصادی توسعه رشد محور	علت‌های مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های عمومی
جایابی نامناسب صنایع بدون توجه به شرایط اقلیمی		
صادرات مواد آب‌بر		

چارچوب‌بندی علل بحران آب ایران در مستندهای زیست‌محیطی به‌گونه‌ای است که این مسئله را عمدتاً در چارچوب حکمرانی مطرح می‌نماید. البته حکمرانی مفهومی وسیع‌تر از حکومت دارد و آن حاصل همبستگی و تعامل اقدامات و رفتارهای بازیگران بخش‌های مختلف است. با پاگرفتن نشست‌هایی چون دومین مجمع جهانی آب در لاهه در سال ۲۰۰۰، کنفرانس آب شیرین در سال ۲۰۰۱ و نشست جاسنبرگ درباره توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲، مفهوم حکمرانی برای رفع مشکلات آبی جهان به شکل پررنگ‌تری مطرح شد. مجموع دستورالعمل‌های این نشست‌ها را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد بحران جهانی آب، بحران

در حکمرانی است (مولینگا^۱ به نقل از به نقل از طالبی صومعه سرایی و دیگران: ۱۳۹۵) البته در این مستندها آنچه بیش از همه در بحث حکمرانی مطرح است مدلی نهادی در سیاستگذاری‌هاست. به طور کلی، در مدل نهادی، فعالیت‌های سیاسی پیرامون نهادهای حکومتی معینی مانند مجلس، ریاست جمهوری، دادگاه‌ها، دیوانسالاری‌ها، ایالت‌ها، شهرداری‌ها و... متمرکز است. سیاستگذاری عمومی به وسیله این نهادها، به طور اقتدارآمیزی تعیین، اعمال و اجرا می‌شود. همچنین در این مدل، ارتباط میان سیاستگذاری عمومی و نهادهای حکومتی بسیار نزدیک است (تامس‌دای، ۱۳۸۷: ۴۵) چارچوب تشخیصی این مستندها در حیطه علل را می‌توان در دو دسته دلایل مربوط به سیاست‌های عمومی و دلایل مربوط به سیاست‌های زیست‌محیطی دسته‌بندی کرد.

الف) علت‌های مبتنی بر سیاستگذاری‌های عمومی: در مقابل دلایل زیست‌محیطی برای بحران آب، برخی از علت‌های این امر به مسائلی خارج از محیط زیست نسبت داده شده است؛ به عنوان مثال «برتری دادن رشد اقتصادی بر موضوعات زیست‌محیطی»، «صادرات محصولات آب بر» و «جایابی نامناسب صنایع آب‌بر» به عنوان دلایلی که خارج از سیاست‌های زیست‌محیطی منجر به بحران آب شده‌اند، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

گرچه می‌توان تمامی دلایل ذکر شده در چارچوب تشخیصی این مستندها را ذیل عنوان لزوم سیاستگذاری‌های عمومی در جهت توسعه پایدار فراهم آورد، اما در این دسته، صراحت بیشتری برای ذکر سیاست‌های عمومی و عملکرد کلی نهادهای حکومتی در بحران آب دارد. فارغ از نظریه‌های اقتصادی درباره رابطه توسعه و محیط زیست که در دوسوی طیف نظریه‌های «ضد رشد» در اقتصاد و «رشد اقتصادی»^۲ قرار دارند، مسئله این است که در گذشته به دلیل آنکه برنامه‌ریزی توسعه‌ای کشورها غالباً در دست اقتصاددانان بود، لذا آنان توسعه را فقط در رشد اقتصادی و بالا بردن تولید ناخالص ملی می‌دانستند و از این رو، به مسائل زیست‌محیطی، فرهنگی و اجتماعی در برنامه‌ها کمتر توجه می‌شد، اما به تدریج با پیدایش مشکلات و مسائل

1 Mollinga

۲ رویکرد اول که به نظریه «ضد رشد» معروف است، بیان می‌کند رشد اقتصادی لزوماً به تخریب محیط‌زیست می‌انجامد؛ زیرا رشد به معنی تزریق کردن هرچه بیشتر مواد خام و انرژی به نظام اقتصادی و در پی آن، تولید ضایعات بیشتر است. در سوی دیگر این طیف، رویکرد دومی هم وجود دارد که به نظریه «رشد اقتصادی» معروف است. در این گروه، اعتقاد بر این است که رشد تنها راه ایجاد و تأمین سرمایه لازم برای حفاظت از محیط زیست است. رشد اقتصادی به جای آنکه محیط زیست را تهدید نماید، می‌تواند به بهبود کیفیت آن کمک کند (پژوهان و لشکری‌زاده، ۱۳۸۹).

زیست‌محیطی، گرایش به امر محیط زیست در برنامه‌های توسعه کشورها جدی گرفته شد. لذا جهت‌دهی به برنامه‌های توسعه در راستای حفاظت از منابع طبیعی در کانون توجه جامعه جهانی قرار گرفت. برنامه‌های توسعه، تنها نمی‌توانست به برنامه‌ها و سیاستگذاری‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت بسنده کند و ناگزیر باید بر برنامه‌های بلندمدت، ارائه دورنماها و تحلیل چشم‌اندازهایی با افق دوردست با هدفگذاری و سمت‌گیری‌های روشن و مشخص متکی می‌بود؛ چراکه برنامه‌ریزی‌های بلندمدت با تجسم بخشیدن به مبانی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی جامعه آرمانی آینده، زمینه شکل‌گیری تحولات و اصلاحات و بازآرایی اقتصاد ملی و چارچوب‌های طراحی و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و کوتاه‌مدت را فراهم می‌آورند (دبیری و همکاران، ۱۳۸۶؛ سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۴، به نقل از معطوفی و دنکوب، ۱۳۹۶).

آنچه در این مستندها به‌عنوان چارچوب عمده نگاه به علل بحران زیست‌محیطی اب مطرح شده است، همان چیزی است که برای گذر از تبعات توسعه و تحت عنوان توسعه پایدار مطرح شد. منظور از پایداری برقراری موازنه بین الزامات زیست‌محیطی و نیازهای توسعه‌ای در یک جامعه است و توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را برآورده می‌سازد، بدون آنکه از توانایی‌های نسل‌های آینده برای ارضای نیازهایشان مایه بگذارد. بنابراین توسعه پایدار، نیازمند برقراری تعادل مناسب میان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی است (رائو، ۱۳۸۵: ۲۸-۲۹). برقراری چنین تعادلی نیازمند ترکیب اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و توجه به نوع و میزان تأثیرات حرکت در مسیر چنین اهدافی بر زندگی نسل‌های آینده است. بنابراین محیط‌ها و ابعاد توسعه پایدار عبارت است از طبیعی (بعد زیست‌محیطی یا اکولوژیک)، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی (زاهدی، ۱۳۸۹: ۳۵)؛ همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، مواردی از این ابعاد در چارچوب تشخیصی مستندهای بحران آب وجود دارد.

ب) علت‌های مبتنی بر وضعیت محیط زیست و سیاست‌های این حوزه: در این بخش، گاه مسئله آب در چارچوب تشخیصی دلایل و وضعیت‌های زیست‌محیطی استوار بوده است. عللی که خود بدون دخالت جدی انسان و سیاست‌های انسانی ایجاد شده‌اند. دلایلی همچون افزایش گازهای گلخانه‌ای به دلیل شرایط اقلیمی، گرم‌شدن کره زمین و کاهش بارندگی از این دست است.

در دسته دوم تأکید بر روی سیاست‌های زیست‌محیطی است. منظور از سیاست‌های زیست‌محیطی مجموعه فعالیت‌های دولت است که بر روی کیفیت محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی اثر می‌گذارد و یا در پی اثرگذاری است. این سیاستگذاری در سه سطح زیر ملی، ملی و بین‌المللی صورت می‌گیرد. در سیاستگذاری محیط زیست، سیاستگذار سعی می‌نماید تا بین عوامل مختلف اعم از آلاینده‌ها و عوامل به‌وجود آورنده آلودگی و محیطی که تحت آلودگی قرار گرفته است، با روش خاص خود برای حل مشکل پل ارتباطی به‌وجود آورد (زارعی و قوی پنجه به نقل از مجابی و اسماعیلی: ۱۳۹۵).

همان‌گونه که از اطلاعات جدول بالا مشخص است، بیشتر علت‌های مرتبط با بحران آب در حوزه مسائل زیست‌محیطی در بعد داخلی مورد توجه مستندها و مستندسازان واقع شده است. در حوزه دلایل زیست‌محیطی توجه اندکی هم به مسائل بین‌المللی و جهانی محیط زیست نیز شده است و مسائلی مانند «تغییر اقلیم»، «گرم شدن کره زمین»، «کاهش بارندگی» و «عدم رعایت حق‌آبه‌های ایران توسط کشورهای همسایه» پرداخته شده است.

جدول ۳: تبعات بحران آب

تبعات	نوع
فرو نشست زمین به دلیل پایین رفتن سطح آب‌های زیرزمینی	تبعات زیست‌محیطی بحران آب
از بین رفتن تنوع زیستی	
از بین رفتن پوشش گیاهی	
مرگ پرندگان به دلیل خشک شدن تالاب‌ها	
خشک شدن درختان به دلیل بدهای نمکی حاصل از خشک شدن دریاچه‌ها	
ایجاد فقر و مشکلات معیشتی برای روستاییان به دلیل از بین رفتن محصولات کشاورزی	تبعات غیر زیست‌محیطی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) بحران آب
مهاجرت روستاییان به حاشیه شهرها به دلیل بحران آب	
تأثیرات روانی بحران آب بر مردم	
به خطر افتادن بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی شهرها و مردم آن	
احساس اقلیت بودن و طردشدگی افراد درگیر با بحران آب	
دسترسی نداشتن روستاییان به آب شرب سالم	
سونامی بادهای نمکی به‌عنوان یکی از تبعات خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها	
آلودگی هوای به دلیل خشک شدن تالاب‌ها و ایجاد طوفان‌های شن و ریزگردها و آثار آن بر سلامتی افراد	

ادامه جدول ۳: تبعات بحران آب

تبعات	نوع
افزایش هزینه‌های مردم مناطق محروم برای دسترسی به آب شرم سالم	
از بین رفتن مشاغل وابسته به آب مانند میناکاری و گردشگری	
بروز بیماری‌های تنفسی به دلیل تبعات ناشی از ریزگردها حاصل از خشک شدن تالابها	
درگیر بر سر موضوع آب و ایجاد جنگ آب	
غیر قابل استفاده شدن آب چاه‌ها (شور شدن آب)	

تحلیل متن مستندها نشان می‌دهد این مستندها عمدتاً با اتخاذ چارچوبی کارکردگرا نسبت به محیط زیست، بررسی رابطه میان محیط زیست و جامعه را بیش از هر چیز از منظر اینکه محیط زیست از چه کارکردهایی برای جامعه انسانی برخوردار است، تصویر کرده‌اند. در این چارچوب مفهوم‌سازی محیط زیست به‌عنوان کارکرد، به آن به‌مثابه حیطة فعالیت اجتماعی یا نقش اجتماعی می‌نگرد که از کارکردهای حیاتی برای جامعه انسانی برخوردار است و باید به حفظ این کارکرد پرداخت. جامعه‌شناسی از این طریق محیط زیست را از مقوله‌ای صرفاً طبیعی خارج کرده و آن را به‌عنوان امری اجتماعی تعریف می‌کند (سعیدآبادی و سلطانی: ۱۳۹۶).

به همین رو، تبعات زیست‌محیطی بحران آب در این مستندها در سایه و حاشیه تبعات غیر زیست‌محیطی قرار گرفته و تمرکز اصلی مستندسازان بر مسائلی غیر زیست‌محیطی بوده است و موضوعات اقتصادی و رفاهی افراد درگیر با مسئله آب به‌مراتب بیشتر از سایر موضوعات مورد توجه قرار گرفته است؛ اگرچه در مواردی هم بعد فرهنگی موضوع مطرح شده است. بر خلاف آنچه در فضای رسانه‌های اجتماعی در مورد مسائل امنیتی ناشی از آب مطرح شده است در این مستندها توجه چندانی به این موضوع نشده است و صرفاً در یکی از مستندها به‌صورت مختصر، جنگ‌های ناشی از آب مورد توجه قرار گرفته است. امنیت زیست‌محیطی یکی از چارچوب‌هایی است که توانایی آن را دارد که بعد تبعات ناشی از بحران آب را تئوریزه نماید. شرایط امروزه جامعه ایران نشان‌دهنده آن است که پرداختن به ابعاد امنیت زیست‌محیطی یکی از الزامات سیاستگذاری‌های کلان در این حوزه‌هاست.

در بعد تبعات زیست‌محیطی هم در اندک مواردی این موضوع در محتوای مستندها مطرح شده است، به‌عبارتی، می‌توان گفت به‌دلیل اینکه چارچوب اصلی تشخیصی در این مستندها توسعه پایدار است، طبیعی است که محیط زیست به‌صورت ذاتی فاقد ارزش است و اگر محیط

زیست برای بهره‌برداری انسان نباشد، ارزشی ندارد که به تبعات بحران آب بر محیط زیست و تغییرات اکوسیستم‌ها توجه کرد.

بر اساس مستندهای مورد بررسی این تحقیق می‌توان گفت در بخش تبعات بحران آب یکی از مسائلی که به‌ندرت مورد توجه مستندسازان قرار گرفته است، تقسیم‌بندی جامعه به ما/آنها بر مبنای تحمل سختی‌های زیست‌محیطی است، اگر چه در معدود مواردی به این مسئله پرداخته شده است. به بیان دیگر، بحث‌های ساختاری درباره نابرابری و تفاوت‌های حاشیه و مرکز و یا فراداستان و فرودستان در این مستندها محوریت موضوعی ندارد.

جدول ۴: چارچوب تجویزی مستندهای بحران آب

احداث سد برای مدیریت آب‌های جاری	راهکارهای ساختاری	راهکارهای تجویزی برای حل بحران آب
نظارت برای جلوگیری از حفر چاه‌های غیر مجاز		
لزوم ایجاد مشاغل جایگزین (مشاغلی که وابسته به آب نباشد)		
تقویت مدیریت حوزه منابع آب		
تقویت مشارکت اجتماعی و مدنی جوامع محلی برای مدیریت بحران آب		
لزوم همکاری نهادهای رسمی و دولتی با تشکلهای مدنی		
بهره‌گیری از همکاری‌های بین‌المللی در طرح‌های محیط زیستی		
فرهنگ‌سازی و آموزش برای جلوگیری از تخریب محیط زیست		
لزوم توجه رسانه‌ها و افکار عمومی به موضوع بحران آب		
پیگیری حقایق تالاب‌های ایران در سطح بین‌المللی		
لزوم ارتقای سواد آب		
لزوم تطبیق کشت کشاورزی با شرایط کم‌آبی		
ملی دانستن آب برای تأمین مصارف شرب		
توجه به شیوه‌های بومی مدیریت منابع آب		
انتقال آب بین حوضه‌ای به‌عنوان یک راه‌حل برای حل بحران آب		
لزوم مشارکت نخبگان و توجه آنان به محیط زیست	راهکارهای غیرساختاری (مبتنی بر عاملیت افراد)	
لزوم بی توجه نبودن جوامع محلی به آبخیزداری		

جدول نشان می‌دهد که عمده چارچوب تجویزی این مستندها مبتنی بر راهکارهایی ساختاری است. این راهکارهای ساختاری در محدوده عملکرد نهادهای حکومتی موجود بوده و با نگاهی محافظه‌کارانه مبتنی بر توسعه از بالا به پایین است. در این چارچوب تجویزی، راه‌حل‌های رادیکال ساختاری در چشم‌انداز راه‌حل‌ها وجود ندارند و مشارکت بازیگرانی همچون ذی‌نفعان بخش آب هم به‌عنوان قسمتی از راه‌حل نادیده گرفته شده‌اند. چنین چارچوب تجویزی در تطابق تام با چارچوب کلی تشخیصی مستندهاست.

از نکات قابل توجه در مورد چارچوب‌های تجویزی این است که بعضاً پیام‌های متناقضی در مستندهای مورد بررسی مطرح می‌شود که خود ناشی از گسست‌هایی در چارچوب تشخیصی و یا چندگانگی این چارچوب‌هاست.

نتیجه‌گیری

ارتباطات زیست‌محیطی کاربرد برنامه‌ریزی‌شده فرآیندهای ارتباطی و رسانه‌ها برای جهت‌دهی و حمایت از سیاست‌گذاری‌ها و اجرای پروژه‌ها و جلب مشارکت عمومی است. فیلم مستند به‌عنوان یکی از «اضلاع خلاقه سینما» می‌تواند یکی از ابزارهای ارتباطی برای چنین کاربرد برنامه‌ریزی شده باشد. وجه غیرداستانی بودن فیلم مستند اگرچه مستند حاوی وجوهی از تخیل نیز هست، قابلیت آن را برای اقناع مخاطب افزایش می‌دهد. مستندها با رؤیت‌پذیر کردن جنبه‌هایی از جهان خارج در ادراکات و تفاسیر ذهنی مخاطبان تأثیرگذارند و در نتیجه می‌توانند موجب تأثیرگذاری بر عامه مردم و نیز سیاستمداران و برنامه‌ریزان شده و به جلب مشارکت بینجامند. مستند این رؤیت‌پذیر کردن واقعیت را با چارچوب‌بندی خاصی از آن انجام می‌دهد. در چارچوب‌سازی رسانه‌ها از «یک ایده یا خط فرمان مرکزی سازمان‌دهنده برای ایجاد معنا بین جریانی از رویدادها استفاده می‌کنند» و نگاه مخاطب را به مجموعه‌ای از سه ابزار عقلانی «ریشه‌ها (تحلیل علی)، پیامدها (نوع خاصی از تأثیر) و توسل به اصول (مجموعه‌ای از ادعاهای عقلانی)» توجه می‌دهند.

سهم ایران از آب‌های شیرین جهان و میزان برداشت از منابع آب تجدیدپذیر نشان می‌دهد ایران به‌شدت با تنش آبی روبه‌روست و بحران آب کلان‌مساله زیست‌محیطی ایران است. به‌همین رو در سال‌های گذشته، مستندهایی درباره این مسئله ساخته شده است. مطالعه این مستندها نشان می‌دهد علل بحران آب ایران در مستندهای زیست‌محیطی دهه هشتاد و نود عمدتاً در

چارچوب حکمرانی مطرح شده‌اند و این جمله را که «بحران جهانی آب، بحران در حکمرانی است» تأیید می‌کند. مستندها عمدتاً با چارچوب‌بندی موضوع در مدل نهادی سیاستگذاری که در آن نهادهای عمده سیاست‌ها را با اقتدار تعیین، اعمال و اجرا می‌کنند علل بحران آب را مطرح می‌کنند. چارچوب تشخیصی این مستندها در حیطه علل را می‌توان در دو دسته دلایل مربوط به سیاست‌های عمومی و دلایل مربوط به سیاست‌های زیست‌محیطی دسته‌بندی کرد. در دسته علت‌های مبتنی بر سیاستگذاری‌های عمومی علت‌های این امر به مسائلی خارج از محیط زیست نسبت داده شده است. گرچه می‌توان تمامی دلایل ذکر شده در چارچوب تشخیصی این مستندها را ذیل عنوان لزوم سیاستگذاری‌های عمومی در جهت توسعه پایدار فراهم آورد، اما این دسته، صراحت بیشتری برای ذکر سیاست‌های عمومی و عملکرد کلی نهادهای حکومتی در بحران آب دارد. در اینجا توجه نامتوازن به اقتصاد در طرح‌های توسعه به‌عنوان چارچوبی کلی مورد توجه قرار گرفته است. آنچه در این مستندها به‌عنوان چارچوب عمده نگاه به علل بحران زیست‌محیطی آب مطرح شده است، همان چیزی است که برای گذر از تبعات توسعه و تحت عنوان توسعه پایدار و در جهت برقراری موازنه بین الزامات زیست‌محیطی و نیازهای توسعه‌ای در یک جامعه مطرح شد. در بخش علت‌های مبتنی بر وضعیت محیط زیست و سیاست‌های این حوزه، گاه مسئله آب در چارچوب تشخیصی دلایل و «وضعیت»‌های زیست‌محیطی استوار بوده است. عللی همچون افزایش گازهای گلخانه‌ای به‌دلیل شرایط اقلیمی، گرم شدن کره زمین و کاهش بارندگی که بدون دخالت جدی انسان و سیاست‌های انسانی ایجاد شده‌اند. در دسته دوم تأکید بر روی سیاست‌های زیست‌محیطی است.

تحلیل نشان می‌دهد این مستندها در ذکر تبعات بحران آب عمدتاً با اتخاذ چارچوبی کارکردگرا نسبت به محیط زیست مسئله بحران آب را عمدتاً از این باب که آب به‌عنوان جزئی از محیط زیست چه کارکردهایی برای جامعه انسانی دارد تصویر کرده‌اند. به‌همین رو تبعات زیست‌محیطی بحران آب در این مستندها در سایه و حاشیه تبعات غیر زیست‌محیطی قرار گرفته و تمرکز اصلی مستندسازان بر مسائلی غیر زیست‌محیطی بوده است و موضوعات اقتصادی و رفاهی افراد درگیر با مسئله آب به‌مراتب بیشتر از سایر موضوعات مورد توجه قرار گرفته است؛ اگرچه در مواردی هم بعد فرهنگی موضوع مطرح شده است. از آنجا که چارچوب اصلی تشخیصی این مستندها توسعه پایدار است، طبیعی است که محیط زیست به‌صورت ذاتی،

فاقد ارزش است و اگر محیط زیست برای بهره‌برداری انسان نباشد، ارزشی ندارد که به تبعات بحران آب بر محیط زیست و تغییرات اکوسیستم‌ها توجه کرد.

بر خلاف آنچه در فضای رسانه‌های اجتماعی در مورد مسائل امنیتی ناشی از بحران آب مطرح شده است، در این مستندها توجه چندانی به این موضوع نشده است و صرفاً در یکی از مستندها به صورت مختصر جنگ‌های ناشی از آب مورد توجه قرار گرفته است. امنیت زیست‌محیطی به‌ویژه با توجه به شرایط روز ایران یکی از چارچوب‌هایی است که می‌تواند بخشی از بعد تبعات ناشی از بحران آب را تصویر نماید. همچنین در تبعات بحران آب یکی از چارچوب‌هایی که به‌ندرت مورد استفاده مستندسازان قرار گرفته است، تقسیم‌بندی جامعه به ما/آنها بر مبنای تحمل سختی‌های زیست‌محیطی و تقسیم مواهب آن است، اگر چه در محدود مواردی به این مسئله پرداخته شده است. به بیان دیگر بحث‌های ساختاری درباره نابرابری و تفاوت‌های حاشیه و مرکز و یا فراداستان و فرودستان در این مستندها محوریت ندارد. به همین بیان چارچوب‌هایی همچون اقتصاد سیاسی هم در متن مستندها به‌ندرت دیده می‌شود.

عمده چارچوب تجویزی این مستندها مبتنی بر راهکارهایی ساختاری است. این راهکارهای ساختاری در محدوده عملکرد نهادهای حکومتی موجود بوده و با نگاهی محافظه‌کارانه مبتنی بر توسعه از بالا به پایین است. در این چارچوب تجویزی راه‌حل‌های رادیکال ساختاری در چشم‌انداز راهکارها وجود ندارند و مشارکت بازیگرانی همچون ذی‌نفعان بخش آب هم به‌عنوان قسمتی از راه‌حل نادیده گرفته شده‌اند. چنین چارچوب تجویزی در تطابق تام با چارچوب کلی تشخیصی مستندهاست.

هر چارچوبی می‌تواند تأثیر متفاوتی در برخورد مخاطب با موضوع ایجاد کند؛ در چارچوب توسعه پایدار تأکید ارتباط‌گران (روزنامه‌نگاران محیط زیست و کنشگران) چارچوب تشخیصی مدیریت استفاده انسان از محیط زیست است؛ به این معنا که مفروض این چارچوب این است که طبیعت، بماهو طبیعت فاقد ارزش است و مسئله نحوه مدیریت استفاده انسان از طبیعت است، به‌گونه‌ای که هم نیازهای خود را تأمین کند و هم تأمین نیازهای نسل‌های آینده را به خطر نیاندازد. این موضوع می‌توانست در قالب چارچوب‌های بدیل دیگری که چند مورد از آن گفته شد، تصویر شود؛ مثلاً زیست‌بوم‌گرایی که در پی دگرگونی‌های بنیادی در مورد رابطه انسان و طبیعت است و یا افراط‌گرایی سبز باشد که تسلط طبیعت بر انسان را تجویز می‌کند.

هر کدام از این چارچوب‌ها مفروضات متفاوتی برای مخاطب ایجاد می‌کند و در نتیجه، امکان های متفاوتی در ایجاد نگرش و رفتار زیست‌محیطی و از جمله منابع آب ایجاد خواهد کرد. فقدان دیدگاه‌ها و چارچوب‌های بدیل در این مستندها مسئله‌ای قابل تأمل است، اگر چه می‌تواند در نسبت با و حاصل از وضعیت بیرونی باشد. به نظر می‌رسد حرکت جامعه و به‌ویژه کنشگران زیست‌محیطی و از جمله فعالان رسانه‌ای از «دیدگاه‌های جزءنگر به مسائل محیط زیست و خصوصاً موضوع حیاتی آب» به سمت چارچوب‌هایی کل‌نگر که اقتصاد، سیاست، محیط زیست، فرهنگ و جامعه را به‌عنوان یک کل واحد ببیند، برای فهم پیچیدگی روابط میان این حوزه‌ها و شناسایی دلایل بحران‌ها لازم باشد و به ایجاد چشم‌انداز بهتر عامه و سیاستگذاران کمک کند.

منابع

- احسانی، مهرزاد و هومن خالدی (1382) بهره‌وری آب کشاورزی، تهران: کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران.
- پژوهان، جمشید و مریم لشکری‌زاده (۱۳۸۹) گذار بر رابطه میان رشد اقتصادی و کیفیت زیست‌محیطی، نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش. ۴۲، صص. ۱۹۰-۱۶۹.
- تامس، دای (۱۳۸۷) مدل‌های تحلیل سیاستگذاری عمومی، ترجمه سویل ماکویی، فصلنامه مطالعات راهبردی، س. ۱۱، ش. ۱، صص. ۴۵-۴۶.
- راثو، کریشنا (۱۳۸۵) توسعه پایدار اقتصاد و سازوکارها، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رز، ژیلیان (۱۳۹۳) روش و روش‌شناسی تحلیل تصویر، ترجمه سیدجمال‌الدین اکبرزاده جهرمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و مرکز آموزش و سنجش افکار صداوسیما.
- زاهدی، شمس‌السادات (۱۳۸۹) توسعه پایدار، تهران، انتشارات سمت.
- سعیدآبادی، زهرا و شهناز سلطانی فر (۱۳۹۶) محیط‌زیست؛ مفهومی چندگانه در علوم انسانی، نشریه راهبرد، ش. ۸۳، صص. ۲۱۳-۱۸۷.
- شهبازی، رامتین (۱۳۹۸) سازوکار ضرب‌آهنگ کاوی «زیست‌محیطی» هنری لفور در بیان سینمایی با نگاهی به دو فیلم «طبیعت بی‌جان» و «باد ما را خواهد برد»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، دوره ۲ شماره ۴، صص ۲۷-۱۱.
- صابری، ندا (۱۳۹۶) ارزیابی عملکرد و نحوه‌ی پوشش رسانه‌های خبری ایران از مسایل محیط زیستی با استفاده از نقد رتوریک: مطالعه موردی: بحران کم‌آبی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشکده‌ی محیط زیست دانشگاه تهران.
- طالبی صومعه‌سرای، مهشید و دیگران (۱۳۹۵) خوانش‌ها و جهت‌گیری‌های متفاوت دولت و مردم در مسائل زیست‌محیطی مطالعه موردی: رویکرد کشاورزان ورامین به سیاستگذاری دولت در مورد پساب، نشریه جغرافیا و توسعه، ش. ۴۴.
- فلیک، اوه (۱۳۹۲) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.
- کوالینا، ووسیچ؛ فالكوفسکی، آندرژ و نیومن، بروس‌ای (۱۳۹۳) بازاریابی سیاسی: مبانی نظری و راهبردی، ترجمه حمیدرضا عسگری ده‌آبادی و شهاب‌طلایی شکری، تهران: کتاب‌مهربان.
- لیندلاف، تامس و برایان تیلور (۱۳۸۸) روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات، ترجمه عبدالله گیویان، تهران: همشهری.

- مجابی، محمد و مریم اسماعیلی فرد (۱۳۹۵) جستاری بر سیاستگذاری محیط زیست در جمهوری اسلامی ایران، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ش. ۲۱، صص. ۲۰-۷.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰) روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲، تهران: جامعه‌شناسان.
- محمودی یمین، سید رسول (۱۳۹۶) ارزشیابی برنامه های مستند سیمای جمهوری اسلامی ایران در زمینه ارتقاء فرهنگ مصرف آب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ارتباطات دانشگاه صدا و سیما.
- مرزبان، حسین؛ صدرایی جواهری، احمد؛ زیبایی، منصور؛ ناظم السادات، محمدجعفر و لیلا کریمی (۱۳۹۸) بررسی وضعیت منابع و مصارف آب در ایران و راهکارهای بهبود وضعیت، مجله آب و فاضلاب، دوره ۳۰ شماره ۴، صص ۱۶-۳۲.
- معطوفی، علیرضا و مرتضی دنکوب (۱۳۹۶) اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تدوین خط مشی‌های زیست‌محیطی کشور با استفاده از روش فرایند تحلیل شبکه ای، ش. ۹۰، صص. ۱۲۵-۱۵۶.
- مک لین، بتسی (۱۳۹۴) تاریخ نوین سینمای مستند، ترجمه محمد جواد مظفریان، زیر نظر مازیار اسلامی، تهران: نشر رونق.
- منتظر قائم، مهدی و رضوانه عرفانی حسین‌پور (۱۳۹۳) تحلیل رتوریک فیلم مستند زیست‌محیطی، فصلنامه انجمن ایرانی، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۹۴-۵۹.
- نیکولز، بیل (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر فیلم مستند، مترجم محمد تهامی نژاد، تهران: جامعه نو.
- وارد، پل (۱۳۹۱) مستند؛ حواشی واقعیت، ترجمه حمیدرضا احمدی لاری، تهران: نشر ساقی.
- هانگین، جان (۱۳۹۳) جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، تهران: سمت.
- Anderson, A. (2014). *Media, environment and the network society*. London: Palgrave Macmillan.
- Benford, R. D., & Snow, D. A. (2000). Framing processes and social movements: An overview and assessment. *Annual review of sociology*, 26 (1) , 611-639.
- Pezzullo, P. C., & Cox, R. (2017). *Environmental communication and the public sphere*. Sage Publications.
- Entman, R. M. (1993). Framing: Toward clarification of a fractured paradigm.
- Johannessen, M. R. (2015, August). Please like and share! A frame analysis of opinion articles in online news. In *International Conference on Electronic Participation* (pp. 15-26). Springer, Cham.
- Nabi, R. L., Gustafson, A., & Jensen, R. (2018). Framing climate change: Exploring the role of emotion in generating advocacy behavior. *Science Communication*, 40 (4) , 442-468.
- of the Working Party on Development Cooperation and Environment) 1999) Environmental Communication: Applying Communication Tools Towards Sustainable Development.paris
- Pezzullo, P. C., & Cox, R. (2017). *Environmental communication and the public sphere*. Sage Publications.

- Schäfer, M. S., O'Neill, S., Nisbet, M., Ho, S., Markowitz, E., & Thaker, J. (2017). Frame analysis in climate change communication: approaches for assessing journalists' minds, online communication and media portrayals.